

بررسی تطبیقی آیین ازدواج در تورات و قرآن کریم

✍ مرتضی میری همت‌آبادی^۱

✍ مهدی قاسمی^۲

چکیده

غریزه جنسی یکی از مهم‌ترین غرایز انسان است که در وجود او نهاده شده است. پاسخ‌گویی به این غریزه و مدیریت آن از چالش‌هایی است که بشر از ابتدا با آن مواجه بوده و مکاتب گوناگون در این باره بحث و بررسی کرده‌اند. اسلام و یهود از ادیان الهی‌اند که رسالتشان هدایت بشر به سوی کمال است. یکی از راه‌های کمال بشری، سنت ازدواج است که روشی برای تعامل درست با این غریزه به شمار می‌رود. در تورات و قرآن کریم به این سنت اشاره شده است. پژوهش حاضر با هدف اثبات اهمیت و منزلت ازدواج از دیدگاه تورات و قرآن کریم و همچنین اثبات برتری نگاه قرآن کریم به ازدواج و مسائل مرتبط با آن نسبت به تورات، با روش توصیفی تحلیلی به بررسی تطبیقی آیین ازدواج و برخی از مسائل مرتبط با آن پرداخته است. در این پژوهش، فلسفه و اهداف ازدواج، برخی احکام شرعی مربوط به آن و همچنین حقوق زوجین به صورت تطبیقی بررسی شده است. علاوه بر بیان دیدگاه قرآن کریم و تورات در هر بخش، وجوه اشتراک و افتراق این دو کتاب مقدس روشن و در پایان هر بخش، برتری‌های دیدگاه قرآن بر دیدگاه تورات بیان شده است.

واژگان کلیدی: ازدواج، قرآن کریم، تورات، حقوق زوجین، احکام ازدواج، اسلام، یهود.

۱. دانش‌آموخته سطح سه رشته تفسیر و علوم قرآن، مرکز تخصصی آخوند خراسانی، حوزه علمی خراسان، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)، morteza.miri.110@gmail.com

۲. دکترای مطالعات تطبیقی اسلام و ادیان، mahdiqasemi1236@gmail.com

در جوامع غربی، برخی از اندیشه‌ها و عادت‌های جاهلیت گذشته رواج یافته است که به نوعی می‌توان آن را جاهلیت مدرن نامید؛ زیرا این جوامع در عین حال که مدعی حمایت از حقوق شهروندان، به ویژه حقوق زنان هستند، در پرتوی همین شعار فریبده، حقوق زنان را پایمال می‌کنند؛ باین حال پیروان ادیان الهی را مایه تخریب شخصیت زن معرفی می‌کنند.

امروزه گفت‌وگو میان پیروان ادیان بزرگ جهان برای ابهام‌زدایی از پیام‌های اصلی ادیان الهی از یک سو و تقویت زمینه‌های صلح و هم‌زیستی از سوی دیگر اهمیت فوق‌العاده‌ای یافته است؛ از این رو پژوهش‌های همه‌جانبه در حوزه ادیانی چون اسلام و یهود و متون دینی آن‌ها، مانند قرآن و عهدین، ضروری است.

از منظر روش‌شناسی، به کتاب تورات مراجعه شده است؛ زیرا این کتاب نزد پیروان آن مقدس و معیار زندگی است و در موضوعات مختلف به آن استناد می‌کنند و به اصطلاح نزد یهودیان حجیت «اُتوریه» دارد. همان‌طور که قرآن نزد مسلمانان منبع استنباط است، نصوص و آیات عهد عتیق نیز در شریعت یهودیان معتبر و مقدس و منبع استنباط به شمار می‌آید.

مسئله ازدواج که زیربنای تشکیل خانواده بوده، از مسائل مشترک اسلام و یهود است. کاوش در موضوع ازدواج از آن‌رو بسیار مهم است که مقدمه تشکیل خانواده است. خانواده نیز به عنوان واحدی کوچک، رکن عمده و نهاد اصلی هر جامعه به شمار می‌رود. بدون تردید، هیچ آسیب اجتماعی نیست که جدای از تأثیر خانواده پدیدآمده باشد؛ از این رو بررسی مسئله ازدواج به عنوان مقدمه تشکیل خانواده ضروری است.

پرسش اصلی این است که مباحث مشترک در ارتباط با ازدواج در تورات و قرآن چیست و دیدگاه قرآن چه برتری بر دیدگاه تورات دارد؟ این پژوهش با روش تطبیقی و کتابخانه‌ای به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد.

۱. مفهوم‌شناسی ازدواج

زوج در انسان به هریک از دو همسر، یعنی مرد و زن (نرینه و مادینه) و در حیواناتی که با هم جفت هستند و آمیزش جنسی کرده‌اند، گفته می‌شود. همچنین به هر دو جفتی، چه در مزاجت یا در غیر آن، مثل جفت کفش و نعلین و نیز به هر دو چیزی که با یکدیگر شبیه یا همانند باشند، خواه شباهتی یکسان یا ناهمسان باشد باز هم آن‌ها را زوج گویند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۲، ۱۵۹).

خدای متعال می‌فرماید: ﴿فَجَعَلَ مِنْهُ الرُّؤُوسَيْنِ الذَّكَرَ وَ الْأُنْثَى﴾ (قیامه، ۳۹) و ﴿اَسْكُنْ اَنْتَ وَ زَوْجُكَ الْجَنَّةَ﴾ (بقره، ۳۵).

جمع «زوج» «ازواج» است؛ همان‌طور که قرآن کریم در آیه ۵۶ سوره یس می‌فرماید: ﴿هُمُ وَ اَزْوَاجُهُمْ﴾ و نیز در آیه ۲۲ سوره صافات می‌فرماید: ﴿اَحْشَرُوا الَّذِینَ ظَلَمُوا وَ اَزْوَاجَهُمْ﴾.

ازواج در این آیات شریفه به معنای کسانی است که در کردار و رفتار از ستمگران پیروی کرده، یاران آن‌ها بودند که در دوزخ هم با هم قرین‌اند.

ازدواج در اصطلاح فقهی به مفهوم «عقد» است. به نظر می‌رسد که منظور از عقد (مفهوم شرعی نکاح) نه تنها سیغه، بلکه مراد حاصل از آن است که در فارسی به «زن گرفتن» و «شوهر کردن» تعبیر می‌شود. ازدواج در کتب فقهی با لفظ نکاح بیان می‌شود. در معنای اصلاحی نکاح اختلاف نظر وجود دارد که آیا مراد از آن عمل خاص است یا مراد عقد است یا در هر دو حقیقت

است یا در هر دو مجاز است. مرحوم شیخ انصاری می‌فرماید که مراد از عقد در اینجا حاصل عقد است که به فارسی زن گرفتن و شوهر گرفتن می‌شود (انصاری، ۱۴۱۵: ۲۵).

۲. فلسفه و اهداف ازدواج از دیدگاه نص قرآن و تورات

ازدواج در قرآن و تورات به عنوان نهادی الهی و هدفمند معرفی شده است که کارکردهایی فراتر از یک پیوند صرفاً طبیعی یا اجتماعی دارد. این متون مقدس با تأکید بر حکمت الهی اهدافی چون تشکیل خانواده، آرامش، تداوم نسل، ارضای نیازهای جنسی و سامان‌دهی روابط انسانی را تبیین کرده‌اند.

۱.۲. اهداف ازدواج از دیدگاه قرآن: آرامش، پرورش نسل سالم و تأمین نیازهای جنسی زوجین

در تعالیم قرآن حکمت‌ها و اهداف مهمی برای ازدواج بیان شده است و قرآن در آیات متعددی به بیان آن‌ها پرداخته است. با تأمل در آیات قرآن این نکته به دست می‌آید که حتی الفاظ قرآن کریم در رابطه با ازدواج در مواردی که این اهداف محقق نشده، متفاوت است. در برخی موارد هرچند زن و مرد با یکدیگر زندگی می‌کنند، اهدافی که باید در زندگی آنان حاکم باشد، از میان می‌رود و دو طرف بدون آنکه بهره‌ای از زندگی مشترک ببرند، با یکدیگر زندگی می‌کنند. برخی گفته‌اند که هرگاه نشانه‌های الفت و حکمت‌های زوجیت، چه در دنیا و چه در آخرت، برقرار باشد، قرآن واژه «زوجیت» را به کار برده است (روم، ۲۱؛ فرقان، ۷۴؛ زخرف، ۷۰؛ بقره، ۲۵؛ یس، ۵۶) و هرگاه جای این نشانه‌ها و حکمت‌ها را بغض و خیانت یا تفاوت عقیده زن و مرد با یکدیگر پر می‌کند، قرآن از کلمه «إمرأت» استفاده کرده است (یوسف، ۳۰؛ تحریم، ۱۰ و ۱۱). همچنین آنجا که حکمت زوجیت، یعنی بقای نسل انسان، از میان برداشته می‌شود، باز قرآن واژه «إمرأت» را به کار برده است (ذاریات، ۲۵؛ مریم، ۴ و ۵؛ آل عمران، ۴۰)؛ بدین سبب دوباره وقتی این حکمت سر برمی‌آورد و ثمره زوجیت به بار می‌نشیند، باز قرآن تعبیر را عوض کرده، کلمه

«زوج» را به کار می‌برد. در آیه ۴۰ سورة آل عمران، حضرت زکریا علیه السلام به خداوند تعالی خطاب می‌کند که همسرم نازاست: ﴿وَأْمُرْ أَتِي عَاقِرٌ﴾؛ ولی وقتی دعای او اجابت می‌شود، قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ﴾.

یکی از آموزه‌های مهم آیین مقدس اسلام توجه خاص و تأکید فراوان درباره نظام خانواده است. براساس آیات قرآن (روم، ۲۱) زوجیت آیتی الهی است و تشکیل خانواده براساس طراحی حکیمانه خداوند تعالی است و کسی که این مسئله را به انجام برساند و در تشکیل خانواده اهتمام بورزد، در خط حکمت الهی حرکت کرده، کار بسیار ارزشمندی انجام داده است. اهمیت ازدواج و تشکیل خانواده و برقراری روابط سالم میان زن و مرد و نیز والدین و اولاد امروزه بر کسی پوشیده نیست. خانواده پایه اصلی سعادت هر فرد در جامعه محسوب می‌شود؛ به‌طوری که اگر افراد خانواده بتوانند با روابطی شایسته و مناسب روح و جسم یکدیگر را آرامش بخشند و زمینه شکوفا شدن صفات و استعدادهای درونی را آماده کنند، جامعه‌ای موفق به وجود خواهد آمد (نجفی یزدی، ۱۳۷۶: ج ۲، ۴).

در رابطه با جایگاه خانواده از دیدگاه اسلام می‌توان به دو بُعد مهم ایجاد مودت و الفت و حفظ نوع بشر و پرورش نسل سالم اشاره کرد.

در سایه ازدواج و تشکیل خانواده، همچنین نیازهای جنسی زوجین از راه صحیح آن تأمین می‌شود و مانع بروز گناه و آلودگی‌های جنسی در جامعه می‌شود.

۲.۲. اهداف ازدواج از دیدگاه تورات

ازدواج در دین یهود نیز نه تنها به رسمیت پذیرفته شده است؛ بلکه به آن تشویق و ترغیب شده و یکی از راه‌های تحصیل رضایت الهی تلقی می‌شود (صالحی، ۱۳۹۱: ۱).

یکی از اهداف ازدواج در یهود، تشکیل خانواده و بچه‌دار شدن است (آترمن، ۱۳۸۵: ۲۲۴).

در تعالیم یهود تولیدمثل و تکثیر نسل به عنوان یکی از اهداف مهم ازدواج شمرده شده است. طبق آنچه در کتاب مقدس آمده، ارمیا در نامه‌ای خطاب به بنی اسرائیل آواره در بابل، آنان را توصیه به ازدواج و تکثیر نسل می‌کند. ارمیا در این نامه به بنی اسرائیل می‌گوید: «زنان گرفته، پسران و دختران را به هم رسانید و زنان برای پسران خود گیرید و دختران خود را به شوهر بدهید تا پسران و دختران متولد کنند و در آنجا زیاد شوید و کم نگردید.» (آدین، ۱۳۸۳: ۲۱۲). این مطلب در سفر پیدایش نیز خطاب به فرزندان حضرت نوح علیه السلام به چشم می‌خورد (پیدایش ۱، ۹).

همان‌طور که قبلاً اشاره شد انسان دارای مجموعه‌ای از نیازها و غرایز است که عدم ارضا یا نقص در ارضای هر کدام از این غرایز موجب مشکلات روحی و روانی و ایجاد تزلزل در شخصیت او می‌شود. یکی از غرایز نیرومند در وجود انسان غریزه جنسی است. در دین یهود نیز از این مسئله غفلت نشده، به‌رغم تلقی‌های زاهدانه‌ای که در آن درباره روابط جنسی میان زن و مرد دیده می‌شود، آمیزش جنسی را صرفاً یک شر لازم به حساب نمی‌آورد. مباشرت و مضاجعت زن و شوهر به‌دوراز هرگونه افراط و تفریط از جمله اهداف ازدواج در دین یهود به شمار می‌رود. تلمود ضمن تأکید بر اهمیت حق ارضای نیاز جنسی زوجین، دستورات و جرائمی را در این زمینه مقرر کرده است (کهن، ۱۳۸۲: ۱۸۲)؛ بنابراین ارضای غریزه جنسی از راه صحیح آن یکی از اهداف ازدواج شمرده شده است که تحفظ بر آن بر زوجین لازم است.

۳.۲. مقایسه دیدگاه قرآن با تورات و بیان امتیازات قرآن

در هر دو کتاب مقدس به ازدواج و تشکیل خانواده توجه خاص و تأکید فراوان شده است. از اهداف و علل تشویق به ازدواج می‌توان به حفظ عفت افراد، گمراه نشدن و به گناه نیفتادن آن‌ها، تشکیل خانواده و ازدیاد نسل اشاره کرد (میری‌زاده، ۱۳۹۱: ۱).

از نظر دین اسلام، زن و مرد با ازدواج، مکمل یکدیگر می‌شوند و کمال هریک از آن‌ها جز در کنار دیگری ممکن نیست. مفسران معتقدند که حضرت آدم و حوا علیهم السلام هر دو از یک حقیقت

وجودی برخوردارند و این گونه برای تشکیل نهاد مقدس خانواده، متحدالشکل می‌شوند (میری زاده، ۱۳۹۱: ۱).

در قرآن کریم، خداوند ﷻ انسان‌ها به ازدواج ترغیب می‌کند؛ برخلاف عهدین که وجود زن را طفیلی وجود مرد می‌داند. قرآن کریم تصریح می‌کند که برای انسان‌ها اعم از زن و مرد از جنس خودشان همسری بیافریده تا در کنار هم آرامش و سکینه قلبی پیدا کرده، با هم انس بگیرند.

در هر حال آفرینش غیرمستقل زن و اینکه او از مرد آفریده شده است و به نوعی می‌تواند طفیلی او تلقی شود، استعداد فراوانی برای برداشت‌های زن‌ستیزانه و نگاه تحقیرآمیز و نقش دومی به زن دارد و این چیزی است که در تاریخ اتفاق افتاده است (علیجانی، ۱۳۸۸: ۹۶).

۳. احکام دینی ازدواج در قرآن و تورات

افزون‌بر تبیین فلسفه و اهداف ازدواج، قرآن و تورات احکام و مقرراتی را بیان کرده‌اند که چارچوب شرعی این پیوند را مشخص می‌کند. بررسی این احکام نشان می‌دهد که ازدواج در هر دو دین تابع ضوابط الهی و محدودیت‌هایی است که براساس مصالح فردی و اجتماعی تشریع شده‌اند.

۳.۱. احکام ازدواج در قرآن

احکام ازدواج از دو منظر احکام نفس ازدواج و احکام مترتب بر ازدواج قابل بحث و بررسی است.

در تحقیق حاضر صرفاً احکام نفس ازدواج (ازدواج کردن) بررسی می‌شود. این بخش از تحقیق حاضر به دنبال آن است تا روشن کند که ازدواج، فی‌نفسه یا با توجه به شرایط و اشخاص مختلف، چه حکمی از احکام خمسۀ تکلیفی را داراست.

با تأمل در آیات شریفه قرآن و روایات (حر عاملی، بی تا: ج ۲۰، ۱۹) این نکته به دست می آید که ازدواج فی نفسه و با صرف نظر از پسوندهای مربوط به آن برای زن و مرد پسندیده و مطلوب است (طوسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ۱۶۰).

در صورتی که عزوبت موجب ابتلای فرد به حرام شود، ازدواج کردن واجب و عزب ماندن حرام خواهد بود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲: ج ۵، ۱۸۶).

دین اسلام به مردان اجازه ازدواج با هر زنی را نمی دهد و به خاطر ملاکات و مصالحی که وجود دارد و در روایات به برخی از آن ها اشاره شده است، از ازدواج برخی زنان و مردان با یکدیگر ممانعت می کند. موانع ازدواج نسب، سبب، رضاع، شوهر داشتن، در عده بودن، طلاق سوم و کفر هستند.

۲.۳. احکام ازدواج در تورات

دین یهود ازدواج را «قیدوشین»، یعنی مقدس دانسته، هرگز به ازدواج به چشم یک شر لازم برای تداوم نسل ها و در غیر این صورت، پیوندی منفور نمی داند (علیجانی، ۱۳۸۸: ج ۲، ۱۲۵).

دین یهود، ازدواج را فریضة مهمی دانسته، بر ازدواج هر مردی تأکید دارد و حتی مردی را که دیگر قادر به بچه دار شدن نیست، از زندگی مجردی منع می کند (مظاهری، بی تا: ۱۸۶).

براساس شریعت یهود، انسان در انتخاب همسر دارای محدودیت هایی است؛ از جمله این محدودیت ها محارمی هستند که به واسطه خویشاوندی نمی توان با آن ها ازدواج کرد. از دیگر موانع سبب، ازدواج مجدد مرد با مطلقه خود، ازدواج با غیر یهودی و ازدواج با حرام زاده هستند.

۳.۳. مقایسه احکام ازدواج در قرآن و تورات و بیان امتیازات قرآن

نگاه یهود و اسلام به ازدواج مثبت است و آن را امری مطلوب تلقی می کنند.

واژه «ازدواج» در تلمود «قیدوشین» به معنای تقدیس است؛ ولی ازدواج در فرهنگ بنی اسرائیل به‌ویژه بخش‌های کهن‌تر آن به‌مثابه یک قرارداد اقتصادی تلقی می‌شده است و براین اساس زن به شیء تبدیل می‌شود.

به‌هرحال همان‌طور که در تورات برخی از ازدواج‌ها ممنوع شمرده شده، در قرآن کریم نیز به ازدواج‌های ممنوع اشاره شده است که در این موارد اشتراکات زیادی با هم دارند؛ اما در تورات مواردی وجود دارد که قرآن از آن منع نکرده است؛ به‌عنوان مثال در تورات اگر برادر یا عموی مردی همسر خود را طلاق داده باشند، از ازدواج آن مرد با زن برادر یا با زن عموی خود، تا زمانی که برادر و عمو در قید حیات باشند، منع شده است؛ درحالی‌که قرآن کریم از این موارد نهی نکرده است و فقها نیز فتوا به جواز آن داده‌اند. ازدواج با خواهر همسر نیز با اندکی تفاوت در اسلام منع شده است.

۴. حقوق و وظایف مرد و زن در ازدواج از دیدگاه قرآن و تورات

زیربنای اندیشه توحیدی آن است که قسط و عدل الهی در سراسر نظام آفرینش حکم فرماید. اگر خداوند ﷻ هریک از زن و مرد را به‌تنهایی یا هر دو را از همه جهات، عین یکدیگر آفریده بود، بقای نسل و تشکیل خانواده امکان نداشت. بین زن و مرد تفاوت‌های جسمی و روانی وجود دارد که سراسر تابع حکمت الهی و به مصلحت هر دو است. همین تفاوت‌های حقیقی موجب برخی تفاوت‌های حقوقی میان آن شده است. تشکیل خانواده و توجه به نقش زوجین در حفظ و تکامل آن، همواره مورد اهتمام تمامی ادیان آسمانی به‌ویژه اسلام و یهود بوده است؛ ازاین‌رو در این ادیان برای هریک از زوجین به‌عنوان ارکان اساسی خانواده حقوق و تکالیفی تعیین شده که ضامن بقا و استحکام نهاد خانواده است.

۱.۴. حقوق و وظایف مرد و زن در ازدواج از دیدگاه قرآن

در قرآن کریم در رابطه با زوجین حقوقی بیان شده است که برخی از این حقوق بین زن و مرد مشترک هستند و برخی حقوق به مرد و برخی از آن‌ها به زن اختصاص دارد.

مبنای تقسیم وظایف زوجین در این ادیان بین تشریع و تکوین تناسب است؛ با این وجه تمایز که تفاوت‌های حقوقی و تکلیفی میان زوجین در آموزه‌های قرآن کریم، خاستگاه تمایز جنسیتی نداشته، ریاست مرد بر مبنای عدالت، احسان و حسن معاشرت است؛ درحالی که در دین یهود عامل جنسیت و طفیلی بودن زن باعث ریاست و حاکمیت مرد بر وی قلمداد شده است؛ براین اساس حقوق و وظایف زوجین در خانواده در قالب سه دسته حقوق مشترک، حقوق اختصاصی زن و حقوق اختصاصی مرد تقسیم‌بندی می‌شوند که در این قسمت هرکدام از آن‌ها در قرآن کریم و تورات به صورت مجزا تبیین می‌شوند.

۱.۱.۴. حقوق و وظایف مشترک مرد و زن در ازدواج از دیدگاه قرآن

یکی از مهم‌ترین حقوق و وظایف مشترک زوجین، ارضای نیازهای جنسی یکدیگر است. در اسلام ارضای این نیاز تنها در سایه عقد و پیمان ازدواج مشروع است. امتناع از داشتن روابط مشروع زوجین، علاوه بر اینکه از نظر اسلام امری خلاف شرع است، باعث به وجود آمدن مشکلاتی برای آن‌ها می‌شود. زن و شوهر باید برای استمتاع و ارضای غریزه جنسی یکدیگر آماده باشند. هرگاه یکی از آن دو به استمتاع و عمل جنسی تمایل داشت، دیگری نیز خود را آماده سازد و مانع تراشی نکند (حر عاملی، بی تا: ج ۲۰، ۱۶۴).

ایجاد روابط مطلوب و رضایت‌بخش بین زوجین و استمرار آن یکی از وظایف مهم مشترک آن‌هاست. از دیدگاه قرآن کریم ملاک مطلوبیت این روابط معاشرت به معروف است (نساء، ۱۹).

از مجموع تعاریف ارائه شده درباره معروف چنین نتیجه گرفته می شود که معاشرت به معروف رفتاری دوسویه بین زوجین است که موجب انتفاع هر دو طرف می شود.

از دیگر وظایف مشترک زن و مرد که در حفظ و تداوم زندگی و ظهور صفا و صمیمیت در کانون خانواده نقش برجسته ای دارد، محبت زن و مرد به یکدیگر و اظهار آن است. خداوند متعال اصل محبت و علاقه زن و شوهر به یکدیگر را در قلب آنان قرار داده، آن را یکی از نشانه های وجود خود دانسته است (روم، ۲۱). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز اظهار محبت را راهی برای استوار کردن رابطه معرفی کرده اند (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۵۷).

از دیگر وظایف مشترک احترام متقابل، مدارا، گذشت و حفظ عفت هستند.

۲.۱.۴. وظایف مرد در ازدواج از دیدگاه قرآن

ازدواج برای زن و مرد پذیرش نوعی تعهد و مسئولیت است که حقوق و وظایف جدیدی برای آن ها به همراه می آورد. در صورت التزام هریک از زوجین به حقوق طرف مقابل زندگی در مسیر صحیح پیش خواهد رفت و موجبات کمال و سعادت زوجین فراهم می شود، در غیر این صورت نتایج مطلوبی حاصل نخواهد شد.

خانواده مانند هر اجتماعی نیازمند مدیر و سرپرست است. در خانواده هایی که نقش سرپرست در آن ها ضعیف است، مشکلات و گرفتاری های عدیده ای بروز می کند. در اسلام وظیفه سرپرستی خانواده به عهده مرد گذاشته شده است.

یکی دیگر از وظایف اصلی مرد در جایگاه سرپرست خانواده، فراهم کردن زمینه برای رشد معنوی اعضای خانواده، به ویژه همسر است که باید زمینه رشد معنوی او را فراهم کرده، او را به سمت دین داری و نیل به کمالات معنوی سوق دهد.

از جمله حقوق مالی زن که اسلام مرد را موظف به پرداخت آن کرده مهریه است. در آیات قرآن کریم و روایات معصومان علیهم السلام از مهریه با لفظ «صداق» تعبیر شده است (نساء، ۴). مهریه در اسلام وسیله‌ای برای بالا بردن حیثیت زن، عاملی برای دل‌گرمی او در ادارهٔ کانون خانواده و زمینه‌ای جهت تأمین آسایش فکری اوست.

یکی دیگر از حقوق مالی که اسلام به زن اختصاص داده، مرد را موظف به رعایت و پرداخت آن کرده نفقه است (مشکینی، بی‌تا: ۲۸). در اسلام وجوب پرداخت نفقه بازهٔ زمانی از آغاز زندگی مشترک تا زمان مرگ و حتی در مدت عدهٔ طلاق رجعی را در بر می‌گیرد؛ خواه زن فقیر باشد خواه غنی. نفقه طبق تعریفی که در قانون مدنی آمده شامل مسکن، غذا، البسه (اثاث البیت) متناسب با وضعیت زن به‌طور متعارف و خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطهٔ مرض یا نقصان اعضا می‌شود.

از دیگر حقوق می‌توان به ارث و رعایت عدالت در صورت تعدد زوجات اشاره کرد.

۳.۱.۴. وظایف زن در ازدواج از دیدگاه قرآن

در قرآن کریم اطاعت از همسر یکی از مسئولیت‌های زنان و از حقوق مردان بر زنان دانسته شده است که به واسطهٔ سرپرستی مرد و قوامیت او بر زن حاصل می‌شود. خداوند متعال با عبارت «فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ» (نساء، ۹۰) به اطاعت زنان صالح از همسرانشان اشاره و آن را نشانگر خوب و شایسته بودن زنان بیان کرده است.

یکی دیگر از حقوقی که در قرآن بر عهدهٔ زنان گذاشته شده است، حفظ غیب و اسرار همسر است که خداوند متعال با عبارت «حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ»^۱ (نساء، ۳۴) آن را بیان کرده است.

۱. «به پاس آنچه خداوند تعالی حفظ کرده، اسرار را حفظ می‌کنند.»

۲.۴. حقوق مرد و زن در ازدواج از دیدگاه تورات

تورات و متون تفسیری یهود، افزون‌بر بیان قداست ازدواج، حقوق و وظایف زن و مرد در چارچوب خانواده را تبیین کرده‌اند. این حقوق و تکالیف با هدف حفظ نظم خانوادگی، استحکام پیوند زناشویی و تحقق آرمان‌های دینی در زندگی مشترک تشریع شده‌اند.

۱.۲.۴. حقوق و وظایف مشترک زوجین از دیدگاه تورات

در یهودیت خانواده مهم‌ترین نهادی است که آرمان‌های تقدس حیات باید در آن آموخته و پرورش یابد؛ ازاین‌رو این دین آسمانی برای استحکام بنیان خانواده، حقوق و تکالیف خاصی برای هریک از اعضا تعیین و آن‌ها را ملزم به رعایت آن‌ها کرده است.

مباشرت و مضاجعت زن و شوهر به‌دوراز هرگونه افراط و تفریط ازجمله مهم‌ترین حقوق مشترک آن‌ها در دین یهود است که تلمود بر آن تأکید دارد (کهن، ۱۳۸۲: ۱۸۷).

یکی از مهم‌ترین عوامل استحکام پیوند زناشویی رفتار نیکو و پسندیده زن و شوهر با یکدیگر است. آیین یهود مردان را به حسن معاشرت و اخلاق حسنه با زنان دعوت کرده است (امثال سلیمان ۲۹، ۱۱)؛ چنان‌که در سفر تثنیه سفارشات در باب حسن رفتار با زنان وارد شده است؛ ازجمله اینکه «چون کسی زن تازه بگیرد در لشکر بیرون نرود و هیچ کار به او تکلیف نشود؛ تا یک سال در خانه خود آزاد بماند و زنی را که گرفته مسرور سازد.» (تثنیه ۲۵، ۵).

یکی دیگر از حقوق مشترک زوجین که موجب آرامش و لذت‌بخش‌تر شدن زندگی و تقویت پایه‌های آن می‌شود محبت آن‌ها به یکدیگر و اظهار علنی آن است. کتاب مقدس در اهمیت وجود محبت در خانواده آورده است: «نان خشک خوردن در جایی که محبت هست، بهتر است از غذای شاهانه خوردن در جایی که نفرت وجود دارد.» (امثال سلیمان ۱۵، ۱۷). مطابق با تعالیم تورات علاقه به شوهر و مهرورزی از مهم‌ترین وظایف زن در خانواده است (پیدایش ۳، ۱۶).

رعایت حرمت و ارج نهادن به شخصیت یکدیگر از وظایف مشترک زن و شوهر است. رعایت این مسئله علاوه بر ایجاد صفا و صمیمیت در محیط خانواده، بر شخصیت فرزندان نیز تأثیر گذاشته، سبب الگوبرداری آن‌ها از رفتار والدینشان می‌شود.

در آیین یهود احترام گذاشتن به شخصیت یکدیگر همواره مورد تأکید بوده است؛ چنان‌که تلمود به صراحت مرد را موظف به این امر در رابطه با همسرش کرده است (کههن، ۱۳۸۲: ۱۸۱). علاوه بر این، تلمود یکی از لوازم تشکیل زندگی شرافتمندانه را این می‌داند که مرد زوجه‌اش را چون خود دوست بدارد و او را بیشتر از خویشتن عزت نهد (کههن، ۱۳۸۲: ۱۸۱).

مدارا (اول سموئیل ۲۵، ۲ تا ۲۶)، گذشت (اول سموئیل ۲۵، ۲ تا ۲۶)، آراستگی (کههن، ۱۳۸۲: ۱۷۶) و حفظ عفت (امثال سلیمان ۴، ۱۲) از دیگر حقوقی است که در تورات بدان اشاره شده است.

۲.۲.۴. وظایف مرد در ازدواج از دیدگاه تورات

در این مبحث وضعیت حقوق اختصاصی زنان و وظایفی که مرد یهودی در برابر همسرش بر عهده دارد، براساس تعالیم دین یهود تبیین می‌شوند.

از جمله حقوق مالی زن که بر عهده مرد نهاده شده است مهریه است. مهریه در آیین یهود در قالب سندی تنظیم می‌شود که به عبری «کتوبا» نامیده می‌شود و شامل چند بند است که یکی از آن‌ها به مهریه اختصاص دارد. در آیین یهود مهریه به عنوان هدیه به پدر دختر تقدیم می‌شود. در قاموس کتاب مقدس بیان شده که مهریه به پدر عروس پرداخت می‌شود و گویا داماد عروس خود را خریداری می‌کند (هاکس، ۱۳۷۷: ۶۰۸). سفر پیدایش در تأیید این مسئله به داستان خواستگاری شکیم بن حمور از دختر حضرت یعقوب عليه السلام اشاره دارد (تثنیه ۳۴، ۱۱ تا ۱۲).

از دیگر حقوق مالی زن که مرد موظف به پرداخت آن است نفقه است. سند کتوبا فهرستی از شرایط و ضمانت‌های مالی و مانند آن است. در این سند نفقه و موارد آن که شوهر از این طریق اجرای آن را در حق همسرش تضمین می‌کرد، قید می‌شود. موارد نفقه در دین یهود عبارت‌اند از: مسکن (کهن، ۱۳۸۲: ۱۸۰) خوراک و پوشاک، هزینه درمان، هزینه کفن و دفن و فراهم کردن اسباب آسایش و رفاه (کهن، ۱۳۸۲: ۱۸۳).

در دین یهود زنان در صورتی از ارث بهره‌مند می‌شوند که فاقد فرزند پسر یا برادر باشند. خطابی که به حضرت موسی عليه السلام در سفر اعداد در این باره شده، مؤید این مطلب است؛ براساس آن در صورتی که زن پس از مرگ پسری نداشته باشد ملک او به همسرش منتقل می‌شود (اعداد ۲۷، ۸ تا ۱۰).

یکی از حقوق معنوی زن بر مرد رعایت عدل و انصاف در حق وی، در صورت تعدد زوجات است؛ از این رو در آیین یهود مرد تنها در صورتی می‌تواند چند همسر اختیار کند که توانایی تأمین مخارج همگی آن‌ها را داشته باشد. تلمود در تأیید این مسئله می‌گوید: «مرد می‌تواند با چند زن ازدواج کند و این در صورتی است که قدرت تأمین مخارج همگی آن‌ها را داشته باشد.» (کهن، ۱۳۸۲: ۱۸۴). در دین یهود به رعایت عدالت بین همسران در حوزه پرداخت نفقه و تأمین رفاه و آسایش آنان، در صورت تعدد زوجات تأکید شده است.

۳.۲.۴. وظایف زن در ازدواج از دیدگاه تورات

در دین یهود زن موظف است از همسرش تبعیت کند. کتاب مقدس حق قوامیت را به مرد اعطا کرده است؛ از آن جهت که زن عامل گناه نخستین بوده است؛ از این رو او را در تمامی امور تابع و مطیع شوهر می‌داند (پیدایش ۳، ۱۲). در نگاه کتاب مقدس، مرد اساس خانواده است و زن موظف است که از او اطاعت کند؛ چون وجود او طفیلی است.

قوامیت مرد بر زن در تورات آثاری همچون تسلط بر زن (پیدایش ۳، ۱۲) و حق طلاق داشتن برای مرد را به دنبال دارد (تثنیه ۱، ۲۴).

زن موظف است که در خانه شوهرش کار کند. زنی که در خانه شوهرش می خورد و کار نمی کند، مانند این است که از شوهرش دزدی می کند. همچنین زنی که غذا می خواهد و در عوض آن چیزی تولید نمی کند، مردش را به دزدی وامی دارد. کارهایی مانند آرد کردن غلات، پختن نان، شستن لباس، آشپزی، شیردادن به کودک، آماده کردن رختخواب، پشم زنی و نخ ریزی در خانه شوهر به عهده زن است (لیلی، بی تا: ۷۱).

۳.۴. مقایسه حقوق زن و مرد در ازدواج از دیدگاه قرآن و تورات و بیان امتیازات قرآن

از نظر قرآن زن و مرد دارای یک گوهرند و در آفرینش گوهر وجودی آنان هیچ گونه نابرابری وجود ندارد (نحل، ۷۲)؛ در حالی که در دین یهود مضمون و محتوای متون و منابع یهودیان، به ویژه کتاب مقدس حاکی از آن است که زن تمثالی از مرد و طفیلی او بوده، از قسمتی از جسم آدم خلق شده است (پیدایش ۲، ۲۱ تا ۲۴).

اسلام و یهود زن و مرد را در سرشت و فطرت و حیثیت انسانی یکی دانسته اند؛ با این وجه تمایز که قرآن کریم در بحث از جایگاه زن و مرد، هرگز از روزنه ذکورت و انوشت به شخصیت زن و مرد نگاه نمی کند و هر دو را از حیث انسانی در فطرت و سرشت یکسان می داند؛ در حالی که در فرهنگ یهود زن جنس دومی است که از مرد ایجاد شده، دارای وجود مستقل نیست و همواره تابع مرد است. همچنین زن به عنوان عنصری شیطانی و وسوسه انگیز و طردکننده انسان از بهشت و هبوط وی به زمین معرفی شده است.

مبنای تقسیم وظایف زوجین در اسلام و یهود تناسب بین تشریع و تکوین است؛ با این وجه تمایز که تفاوت‌های حقوقی و تکلیفی میان زوجین در آموزه‌های قرآن کریم، خاستگاه تمایز جنسیتی نداشته و ریاست مرد بر مبنای عدالت، احسان و حسن معاشرت است؛ درحالی که در دین یهود عامل جنسیت و طفیلی بودن زن باعث ریاست و حاکمیت مرد بر وی قلمداد شده است.

اسلام و یهود مباشرت و مضاجعت به‌دوراز هرگونه افراط و تفریط زن و شوهر را ازجمله مهم‌ترین حقوق مشترک آن‌ها می‌دانند و از منظر هر دو دین ایلاء^۱ و نذر برای نداشتن رابطه جنسی با همسر امری مذموم تلقی و دستور به شکستن آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن داده شده است.

محبت کردن زوجین به یکدیگر یکی از حقوق مشترک آن‌ها در ادیان اسلام و یهود است؛ با این وجه اشتراک که هر دو دین به اظهار علنی آن جهت استحکام پیوند زناشویی و تأثیرگذاری بیشتر آن تأکید کرده‌اند.

یکی دیگر از نقاط مشترک اسلام و یهود در رابطه با حقوق مشترک زوجین آراستگی است که آن را تنها مختص به زن ندانسته، هر دوی زن و مرد را موظف به رعایت آن کرده‌اند.

از حقوق مالی زن در اسلام و یهود که مردان موظف به پرداخت آن شده‌اند مهریه است؛ با این وجه تمایز که در اسلام با توافق طرفین میزان مهر تعیین می‌شود؛ درحالی که در یهود میزان مهر نباید از مقداری که مشخص شده کمتر باشد؛ علاوه بر آن در دین اسلام مهریه متعلق به خود دختر است؛ درحالی که در آیین یهود مهریه به‌عنوان هدیه به پدر دختر تقدیم می‌شود. همچنین مهریه در اسلام عندالمطالبه است و از زمان انعقاد پیمان ازدواج به زن تعلق می‌گیرد و وی حق دخل و تصرف در آن را دارد؛ درحالی که در یهود مهریه عندالمطالبه نبوده و زنان در هنگام حیات

۱. سوگند شوهر بر خودداری از هم‌خوابگی با همسرش.

همسرانشان از آن محروم بوده و به پدر دختر تعلق داشته و تنها در صورت طلاق یا فوت شوهر مهریه حق زن محسوب می‌شود.

نفقة یکی دیگر از حقوق مالی زن است که اسلام و یهود به‌طور مشترک بر آن توافق دارند و هر دو دین در پرداخت آن به رعایت شأن و منزلت زن و پرداخت آن به‌صورت معروف و سخاوتمندانه تأکید کرده‌اند؛ با این وجه تمایز که در دین یهود زن تنها در زمان حیات شوهرش از حق نفقه برخوردار است؛ درحالی که در اسلام زن پس از مرگ شوهرش و حتی در عده طلاق رجعی و در صورت بارداری تا زمانی که مادر فرزند را شیر می‌دهد از حق نفقه برخوردار است.

به‌رغم تأکیدی که بر پرداخت نفقه، در اسلام و یهود شده، طی شرایطی مردان را از پرداخت آن معاف کرده‌اند؛ با این تفاوت که اسلام علت این معافیت را تمکین نکردن زوجه و خروج زن از خانه بدون اذن شوهر دانسته است؛ اما در یهود خودآرایی زن برای غیر شوهرش عامل این معافیت است.

از دیگر حقوق مالی که اسلام و یهود به‌صورت مشترک به زن اختصاص داده‌اند ارث است؛ با این تفاوت که در اسلام طبق آیات قرآن کریم سهم الارث زن نصف مرد است و فلسفه این نصف بودن براساس نظام مالی اسلام است؛ درحالی که در دین یهود پس از مرگ شوهر در صورتی که زن فاقد فرزند ذکور باشد از ارث بهره‌مند می‌شود.

یکی از حقوق معنوی زن که اسلام و یهود مرد را موظف به رعایت آن کرده‌اند، رعایت عدل و انصاف در حق زن در صورت تعدد زوجات است؛ با این تفاوت که در اسلام بر عدالت در مهرورزی بین زوجات و مودت به آن‌ها تأکید شده است؛ درحالی که در دین یهود بر عدالت در تأمین آسایش و رفاه و نفقه زوجات تأکید شده است.

یکی از مهم‌ترین حقوق مرد در خانواده که مشترکاً در اسلام و یهود مطرح شده است، حق قوامیت مرد بر زن است. اسلام به‌جهت تفاوت‌های ذاتی و طبیعی زن و مرد و نیز وظیفه انفاقی که

بر عهدهٔ مرد است حق قوامیت را به وی اختصاص داده است؛ درحالی که در دین یهود قوامیت مرد بر مبنای تمایز جنسیتی بوده و طفیلی و گناهکار بودن زن و آلوده نشدن مرد به گناه نخستین عامل قوامیت وی است. اعطای حق قوامیت به مرد در اسلام و یهود آثاری در پی دارد؛ با این تفاوت که در اسلام این حق هم برای زن و هم برای مرد تکالیفی به وجود می آورد که تکالیف زن شامل تمکین مرد و پذیرش ریاست و سرپرستی وی در خانواده و تکالیف مرد شامل پرداخت نفقه و مهریه و ارشاد و تربیت است؛ درحالی که در دین یهود قوامیت تنها به نفع مرد بوده و از حقوق دیگری چون تسلط بر زن و اشتیاق زن به وی و حق طلاق بدون قید و شرط برخوردار می شود.

در تورات کارکردن زن در خانهٔ شوهر خود واجب دانسته شده است؛ درحالی که در قرآن کریم چنین حکمی وجود ندارد و از روایات نیز وجوب نداشتن کار کردن در خانه و شیردادن به فرزند استفاده می شود.

نتیجه گیری

أ. تشویق ها و ترغیب های عهد قدیم به امر ازدواج بیانگر این است که عزوبت مورد رضایت و رغبت خدای متعال نیست؛ چراکه انسان را از جلب رضایت الهی به واسطهٔ ازدواج و به خصوص تولید نسل که از جایگاه خاصی در عهد قدیم برخوردار است محروم می کند؛ این درحالی است که اسلام نگاه بدبینانه تری به عزوبت دارد و آن را منفور دین و مانع خیرات و برکات فراوان برمی شمارد؛ مگر اینکه دلیلی برتر برای انتخاب عزوبت وجود داشته باشد.

ب. اسلام و یهودیت پاسخ گویی به نیازهای فطری بشر را از مجرای صحیح و درست می دانند؛ ازاین رو ازدواج به عنوان تنهاده مشروع برطرف کنندهٔ نیازهای جنسی، خود نوعی پاکی و گام نهادن در مسیر رستگاری تلقی می شود. قرآن و عهد قدیم ازدواج را پیمانی الهی و مقدس برمی شمارند؛ چراکه ذاتاً موجب جلب رضایت خدای متعال است. در عهد جدید ازدواج پیمانی

دائمی و ناگسستی است که به خاطر ناتوانی از عزوبت مشروعیت یافته است. عهد قدیم در تبیین فلسفه و علل تشریع ازدواج، عمدتاً به مسئله ازدواج و باروری و در نتیجه تکثیر اولاد در کنار پاسخ گویی به نیاز فطری بشر می پردازد. قرآن کریم و دیگر منابع دین اسلام نیز همانند یهود ازدواج را پاسخ گو به نیاز طبیعی می دانند؛ افزون بر اینکه آثار متعددی مانند آرامش روحی و روانی، پاکی و طهارت، حفظ دین و اخلاق و توسعه برکت مادی را نیز از اهداف ازدواج برمی شمارند.

ج. در عهد عتیق دو روایت متفاوت درباره آفرینش وجود دارد. روایت اول زن و مرد را خلق شده از شمایل مرد می داند؛ ولی طبق روایت دوم پروردگار ﷻ ابتدا حضرت آدم ﷺ را خلق کرد و برای رفع تنهایی او حوا را آفرید و گناه با زن آغاز شد؛ زیرا ابتدا حوا بود که با خوردن میوه ممنوعه، حضرت آدم ﷺ را نیز به خوردن این میوه ترغیب کرد و او را فریفت؛ البته باور به روایت دوم جلوه بیشتری دارد؛ به همین دلیل، در اسفار گوناگون تورات، جنس مذکر برتر از جنس مؤنث است. در قرآن کریم زن مانند مرد دارای مقام و شرافت انسانی است؛ زیرا زن و مرد را از حیث آفرینش از یک گوهر مشترک یا به تعبیر قرآن از یک نفس واحد می داند؛ یعنی زن را خلق شده از حقیقتی می داند که مرد آفریده شده است. با تأمل در آیاتی که مربوط به آفرینش انسان است این نتیجه حاصل می شود که خداوند ﷻ در قرآن کریم برخلاف تورات، زن و مرد را در کنار هم ذکر کرده، هیچ رجحانی برای مرد قائل نمی شود و در «خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا» مراد از خلقت حوا از حضرت آدم ﷺ را تشابه و همانندی دو جنس دانسته است، نه اشتقاق یکی در دیگری و به صراحت اعلام می دارد که ملاک برتری یک فرد بر فرد دیگر، اعم از زن یا مرد، تقواست.

د. در کتب مقدس و قرآن، زن به رعایت حجاب و ستر زینت و تبرج نداشتن در برابر نامحرمان ملزم است و این راهی برای صیانت از کرامت اوست. علمای دین یهود برای اینکه زنان

را از چشم اغیار محفوظ بدارند، یادگیری تورات را بر آنان حرام شمرده‌اند؛ البته در برخی از اسفار تورات، حفظ حجاب را عامل حفظ عفت وی به شمار آورده‌اند و درباره نوع حجاب زنان یهودی به رویند زدن برخی از آن‌ها اشاره شده است. دین مبین اسلام با تکیه بر دستورات قرآن، حجاب را وسیله‌ای برای صیانت زن و حفظ کرامت وی محسوب می‌کند، نه عاملی برای محدودیت او.

ه. در زمینه ازدواج و تشکیل خانواده نیز این ادیان نظراتی متفاوت بیان داشته‌اند. عهد قدیم بیان می‌کند که خداوند ﷻ بعد از خلق حضرت آدم ﷺ تنهایی را برای او مناسب ندید و به همین دلیل، حوا را خلق کرد. عهد قدیم یهودیان را به ازدواج ترغیب می‌کند و علل تشویق به ازدواج را حفظ عفت افراد، گمراه نشدن آن‌ها، تشکیل خانواده و ازدیاد نسل بیان می‌کند. در دین اسلام زن و مرد با ازدواج مکمل یکدیگر می‌شوند و کمال هریک از آن‌ها جز در کنار دیگری ممکن نیست. مفسران معتقدند که حضرت آدم ﷺ و حوا هر دو از یک حقیقت وجودی برخوردارند و این گونه برای تشکیل نهاد مقدس خانواده متحدالشکل می‌شوند. خدای متعال در قرآن کریم در صورت فراهم نبودن ازدواج با افراد پاک و مؤمن ازدواج با کنیز و برده پاک و مؤمن را توصیه کرده است و این نشان‌دهنده اهمیت دین مبین اسلام به پاکی کانون خانواده است. در قرآن، خداوند ﷻ با ترغیب انسان‌ها به ازدواج، برخلاف عهدین، تصریح می‌کند که برای انسان‌ها، اعم از زن و مرد، از جنس خودشان همسری بیافریده تا در کنار هم آرامش و سکینه قلبی پیدا کرده، با هم انس گیرند و نسل انسانی بقا یابد.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

* عهد عتیق، ترجمه پیروز سیار.

۱. آدین، اشتاین سالتز، ۱۳۸۳، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲. آترمن، آلن، ۱۳۸۵، باورها و آیین‌های یهودی، ترجمه رضا فرزین، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین، ۱۴۱۵، کتاب النکاح (انصاری)، بی‌جا: المؤتمر العالمي بمناسبة الذكرى المئوية الثانية لميلاد الشيخ الأعظم الأنصاري.
۴. پابنده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول ﷺ)، تهران: دنیای دانش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، بی‌تا، وسائل الشیعه الى تحصیل مسائل الشریعة، بی‌جا: موسسه آل‌البیت (ع).
 ۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲، مفردات ألفاظ القرآن، لبنان: دار الشامیه.
۷. صالحی، محمد مهدی، ۱۳۹۱، «اخلاق جنسی از دیدگاه قرآن و عهدین»، کارشناسی ارشد، مدرسی الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، دانشکده الهیات و معارف اسلامی.
۸. طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۸۷، المبسوط في فقه الامامية، تهران: مرتضوی.
۹. علیجانی، رضا، ۱۳۸۸، زن در متون مقدس، چ ۱، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۱۰. کهن، آبراهام، ۱۳۸۲، گنجینه‌ای از تلمود، ترجمه امیر فریدون گرگانی، چ ۱، تهران: اساطیر.
۱۱. لیلی، ابراهیم ابوالمجد، بی‌تا، أحكام النساء في التلمود (عقود الزواج)، قاهره: الدار الثقافية للنشر.

۱۲. مشکینی، علی، بی‌تا، ازدواج در اسلام، ترجمه احمد جنتی، به تحقیق محمود کریمیان،

بی‌جا: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

۱۳. مظاهری، حبیب، ۱۳۹۰، شخصیت زن در قرآن کریم و عهدین، قم: بوستان کتاب.

۱۴. میری‌زاده، فرحناز، ۱۳۹۱، «زن در تورات، انجیل و قرآن؛ مطالعه موردی (آفرینش، ازدواج و

حجاب)»، کارشناسی ارشد، علوم قرآنی و حدیث، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده ادبیات و

علوم انسانی.

۱۵. نجفی یزدی، سیدمحمد، ۱۳۷۶، ازدواج در روابط زن و مرد، قم: جامعه مدرسین.

۱۶. هاشمی شاهرودی، محمود، ۱۳۸۲، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، قم: موسسه

دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).

۱۷. هاکس، جیمز، ۱۳۷۷، قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر.

